



نرسیدن به موقع کمک‌ها به باشندگان پنجشیر؛

بیش از ۵۰۰ کودک دچار سوءتغذیه شده‌اند



ریاست صحت عامه طالبان در پنجشیر از افزایش کودکان مبتلا به بیماری سوءتغذیه در این ولایت خبر می‌دهد. به گفته این نهاد، تنها در دو ماه گذشته بیش از ۵۰۰ کودک به بیماری سوءتغذیه در این ولایت مبتلا شده‌اند. در همین حال برخی از باشندگان پنجشیر می‌گویند که به علت گسترش فقر، نبود مواد غذایی کافی و عدم تغذیه سالم، شمار زیادی از کودکان آن‌ها به بیماری سوءتغذیه دچار شده‌اند. آنان، نرسیدن کمک‌های به موقع از سوی نهادهای امدادریسان در نقاط دوردست پنجشیر را از عوامل دیگر...

۳



بحران آب در افغانستان؛

دسترسی شهروندان به آب آشامیدنی صحنه با گذشت هر روز کاهش می‌یابد

شورش مجدد تحریک طالبان پاکستان

۶

سایپکو: آمریکا نه تنها پول زیادی را در افغانستان از دست داد، بلکه به فساد نیز کمک کرد

کرد و گفت: «ما نه تنها پول زیادی از دست دادیم، بلکه به فساد نیز کمک کردیم.» وی رویکرد آمریکا در قبال افغانستان را «غیر بین‌المللی خوانده و افزود: «افغانستان یک کشور بسیار فقیر است که به یک‌باره پول هنگفتی به آن سرازیر شد و نظارت اندکی بر آن وجود داشت.»



بازرس ویژه آمریکا برای بازسازی افغانستان اضافه کرد: «ما بیش از ۵۰ کشور و سازمان بین‌المللی در افغانستان داشتیم که فعالیت می‌کردند، اما هماهنگی بین آمریکا و کشورهای دیگر بسیار دشوار بود.» او بی‌اطلاعی حکومت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی از فعالیت‌های همدیگر در افغانستان را چالش جدی عنوان کرد و اضافه کرد: «ما و متحدان ما نمی‌دانستیم که چه می‌کنند و پیمان کاران آن‌ها کیستند.»

۸صبح، کابل: جان سایپکو، بازرس ویژه آمریکا برای بازسازی افغانستان ضمن اشاره به انتقال پول «هنگفت» از سوی این کشور به افغانستان می‌گوید که ایالات متحده به فساد در افغانستان کمک کرده است. او این اظهارات را روز دوشنبه، ۱۹ سرطان، در استیون خدمات متحد سلطنتی بریتانیا مطرح کرده است. سایپکو از فساد در افغانستان به عنوان «بزرگترین چالش» ماموریت ایالات متحده یاد

جمع‌آوری حاصلات پسته در بادغیس؛ طالبان مردم را لتوکوب کردند



۸صبح، بادغیس: منابع محلی در بادغیس می‌گویند که همزمان با آغاز جمع‌آوری حاصلات پسته در این ولایت، طالبان باشندگان محل را لتوکوب کرده و مانع جمع‌آوری حاصلات از سوی آنان شده‌اند. منابع روز دوشنبه، ۱۹ سرطان، به روزنامه ۸صبح گفتند، باشندگان ولسوالی آب‌کمری این ولایت که به هدف جمع‌آوری حاصلات پسته راهی منطقه پسته‌لیق این ولسوالی بودند، با ممانعت شدید جنگ‌جویان طالب روبه‌رو شده‌اند. به گفته منابع، شماری از مردم محل که پس از لتوکوب زخمی شده بودند به شفاخانه ولایتی

تفنگ‌داران ناشناس یک فرمانده پیشین جهادی را در کاپیسا کشتند



۸صبح، کاپیسا: منابع محلی در کاپیسا می‌گویند که یک فرمانده پیشین جهادی از سوی تفنگ‌داران ناشناس در این ولایت به قتل رسیده است. این رویداد پس از چاشت روز دوشنبه، ۱۹ سرطان، در روستای کالوته ولسوالی حصه دوم کاپیسا رخ داده است. این فرد علیم جان نام داشت و مشغول خیاطی بود. تا کنون انگیزه و عاملان قتل این فرمانده پیشین جهادی معلوم نیست. طالبان هم تا کنون در این مورد ابراز نظر نکرده‌اند. گفتنی است که از چندی به این‌سو، رویدادهای جنایی و قتل‌های مرموز در ولایت‌های شمال کابل افزایش یافته است. در ۲۸ ثور سال جاری، تفنگ‌داران ناشناس یک فرمانده پیشین جهادی را که کمال نام داشت در روستای شاکای ولسوالی بگرام ولایت پروان به قتل رساندند.

انکار برای طالبان ثمری نخواهد داشت

در دنیای جنگ و سیاست، جایی که سیاستمداران و گروه‌های دخیل جنگی برای مدیریت ذهنیت عامه و جلوگیری از...



سرنوشت نامعلوم یک شاعر بازداشت‌شده به دست طالبان در غزنی



۷

۲



سرنوشت نامعلوم یک شاعر بازداشت‌شده به دست طالبان در غزنی

ذبیح‌الله عیار باشنده ولسوالی
واغظ ولایت غزنی است و تا
سطح ماستری در بخش حقوق
تحصیلات دارد. هم اکنون در
کنار آقای عیار، چندین نظامی
پیشین، شاعران و فعالان
مدنی از جمله مطیع‌الله ویسا،
مسوول بنیاد راه قلم، حسیب
احراری، شاعر و نویسنده،
مرتضا بهبودی خبرنگار، خلیل
بنا و نصرت مهدی، کارمندان
تلویزیون آمو، رسول پارسی،
استاد دانشگاه، عالیه عزیزی،
رییس زندان زنان ولایت
هرات در نظام جمهوری پیشین
و مبرو رضایی، افسر پولیس
نظام جمهوری پیشین در ولایت
دایکندی نیز از سوی افراد
طالبان بازداشت شده و تا
کنون در زندان‌های آنان به سر
می‌برند.

خلیل بنا و نصرت مهدی، کارمندان تلویزیون آمو، رسول پارسی، استاد دانشگاه، عالیه عزیزی، رییس زندان زنان ولایت هرات در نظام جمهوری پیشین و صبرو رضایی، افسر پولیس نظام جمهوری پیشین در ولایت دایکندی نیز از سوی افراد طالبان بازداشت شده و تا کنون در زندان‌های آنان به سر می‌برند.

پس از نزدیک به دو سال از آغاز حاکمیت طالبان بر افغانستان، در این مدت نهادهای مختلف بین‌المللی حقوق بشری طالبان را به بازداشت، کشتن و شکنجه خودسرانه متهم کرده‌اند. چندی پیش در گزارشی از سوی سازمان عفو بین‌الملل، اعضای مسلح طالبان به اعدام‌های غیرقانونی، شکنجه و زندانی ساختن در ولایت پنجشیر متهم شدند. این در حالی است که ریچارد بنت، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر افغانستان، به رویدادها و مجازات‌های مشابه در افغانستان اشاره کرده بود. طالبان اما همواره چنین اتهام‌هایی را رد کرده‌اند.



۸صبح، غزنی

اعضای خانواده ذبیح‌الله عیار، شاعر و نویسنده در ولایت غزنی می‌گویند که وی از نزدیک به سه ماه تا کنون در بند طالبان است و از سرنوشتش اطلاعی در دست نیست. به گفته خانواده عیار، این شاعر در روز نخست عید سعید فطر از سوی طالبان در شهر غزنی بازداشت شده است. آنان در سه ماه گذشته، در غزنی و کابل به چندین اداره امنیتی و قضایی طالبان مراجعه کرده‌اند، اما موفق نشده‌اند که او را از بند این گروه آزاد کنند یا هم با وی ملاقات داشته باشند. آنان از نهادهای جهانی حقوق بشری می‌خواهند که برای روشن شدن سرنوشت این عضو خانواده‌شان، بر طالبان فشار بیاورند.

ذبیح‌الله عیار، شاعر و نویسنده، در روز عید سعید فطر برای سپری کردن رخصتی عید و دیدار با خانواده‌اش، از کابل غزنی آمده بود. او از نزدیکی خانه‌اش توسط چند فرد مسلح طالبان بازداشت و به جایی نامعلوم منتقل شد. محمدنسیم، کاکای ذبیح‌الله عیار، می‌گوید که وی چندین بار با برخی از بزرگان قومی به نهادهای امنیتی طالبان در غزنی و حتی وزارت داخله این گروه رفته است تا از سرنوشت

برادرزاده‌اش اطلاع به دست آورند، اما پاسخ دریافت نکرده‌اند. او افزود: «متأسفانه با تلاش‌های مکرر موفق نشدیم در مورد چرایی بازداشت این عضو خانواده خود اطلاع به دست بیاوریم. اگر وی مجرم است و مرتکب کدام جرم شده، باید برای ما گفته شود و در این مدت باید کسی برای ما پاسخ می‌داد یا محکمه در مورد وی نظر می‌داد. اگر مجرم نیست، دوسیه ندارد و به نهادهای عدلی برده نشده، هم باید آزاد می‌شد. آخر باید یکی در این مورد جواب بدهد که او کجاست، چرا بازداشت شده و چرا رها نمی‌شود.»

احمد عیار، برادر ذبیح‌الله عیار، می‌گوید که آنان از سرنوشت نامعلوم ذبیح‌الله در بند طالبان به شدت نگرانند و باید نهادهای جهانی حقوق بشری و سازمان‌های بین‌المللی، برای روشن شدن سرنوشت وی دست به کار شوند. به گفته وی، اگر برادرش مجرم است، پرونده‌اش تحت تعقیب قرار گیرد و اگر نیست، چنین زندانی کردن خلاف همه اصول است. او می‌افزاید: «نزدیک به سه ماه از زندانی شدن عیار می‌گذرد، نه به محکمه معرفی شده و نه با ما ملاقات داشته است. اصلاً خلاف اصول است که از اتهام وارده به او اطلاعی داده نشده است و به ما چیزی نگفته‌اند. حتی دوسیه‌اش تحت تعقیب قرار نمی‌گیرد. در هیچ جای سرخ از او نیست. در روزهای اول استخبارات می‌گفت که پیش ما بندی است، اما حالا انکار می‌کند.»

هرچند سخنگویان طالبان در مورد سرنوشت وی چیزی نگفته‌اند، اما سه روز پس از بازداشت ذبیح‌الله عیار، ریاست اطلاعات و فرهنگ طالبان در ولایت غزنی گفته بود که وی به اتهام فعالیت بر ضد نظام برای بازجویی بازداشت شده است. گفتنی است که ذبیح‌الله عیار باشنده ولسوالی واغظ ولایت غزنی است و تا سطح ماستری در بخش حقوق تحصیلات دارد. هم اکنون در کنار آقای عیار، چندین نظامی پیشین، شاعران و فعالان مدنی از جمله مطیع‌الله ویسا، مسوول بنیاد راه قلم، حسیب احراری، شاعر و نویسنده، مرتضا بهبودی خبرنگار،

اوچا: در سال ۲۰۲۲ به ۱۸.۸ میلیون تن در افغانستان کمک شده است



۸صبح، کابل: دفتر هماهنگ‌کننده کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل متحد در افغانستان (اوچا) می‌گوید که در سال گذشته میلادی به ۱۸.۸ میلیون تن در افغانستان از طریق صندوق بشردوستانه این کشور کمک شده است. اوچا روز دوشنبه، ۱۹ سرطان، گزارش سالانه کمک‌های جامعه جهانی به صندوق بشردوستانه افغانستان در سال ۲۰۲۲ را نشر کرده است که بر بنیاد آن، کشورها و نهادهای کمک‌کننده در سال گذشته میلادی ۲۷۵ میلیون دالر به این صندوق کمک کرده‌اند.

این نهاد افزوده است که پس از خروج نیروهای بین‌المللی از افغانستان و تسلط طالبان، مردم این کشور در سال ۲۰۲۲ با وخامت شدید وضعیت بشردوستانه و حفاظتی مواجه شدند. به گفته اوچا، تسلط طالبان بر افغانستان عصر جدیدی را آغاز کرد که مشخصه آن حذف نیمی

از جمعیت، زنان و دختران از زنده‌گی عمومی بود. طبق گزارش، تعداد افرادی که به کمک‌های بشردوستانه نیاز دارند از ۲۴.۴ میلیون تن در آغاز سال ۲۰۲۲ به ۲۸.۳ میلیون تن تا پایان سال افزایش یافته که بر دو سوم جمعیت افغانستان تاثیر گذاشته است. این نهاد تصریح کرده است که محرک اصلی نیاز بشردوستانه در سال ۲۰۲۲ به‌طور فزاینده‌ای تغییرات آب‌وهوایی و بحران اقتصادی بود.

در گزارش همچنان نوشته شده است: «افغانستان به شدت مستعد خطرات طبیعی است که فراوانی و شدت آن به دلیل اثرات تغییرات آب‌وهوایی افزایش می‌یابد و در نتیجه نیازهای بشردوستانه موجود را تشدید می‌کند.» این در حالی است که با روی کار آمدن طالبان، شرایط اقتصادی شهروندان کشور وخیم شده است و با گذشت هر روز نگرانی‌ها از این بابت افزایش پیدا می‌کند.

افغانستان به شدت مستعد خطرات طبیعی است که فراوانی و شدت آن به دلیل اثرات تغییرات آب‌وهوایی افزایش می‌یابد و در نتیجه نیازهای بشردوستانه موجود را تشدید می‌کند. این در حالی است که با روی کار آمدن طالبان، شرایط اقتصادی شهروندان کشور وخیم شده است و با گذشت هر روز نگرانی‌ها از این بابت افزایش پیدا می‌کند.

طالبان شفاخانه میرویس نیکه را در قندهار بستند

۸صبح، قندهار: منابع محلی در ولایت قندهار می‌گویند که طالبان شفاخانه میرویس نیکه را به دلیل مشکلات شخصی با مسوولان این شفاخانه مسدود کرده‌اند.

یک منبع از این شفاخانه می‌گوید که طالبان صبح دوشنبه، ۱۹ سرطان، این شفاخانه را بسته کرده‌اند.

به گفته منبع، یک عضو طالبان در این شفاخانه کار می‌کرد که به دلیل غفلت وظیفوی از سوی مسوولان از کار اخراج شد و پس از آن شفاخانه از سوی این گروه مسدود شد.

این منبع می‌افزاید که پیش از این طالبان برای این شفاخانه مشکلاتی ایجاد می‌کردند، اما اکنون توانسته‌اند آن را ببندند. طالبان محلی در قندهار تاکنون در این مورد چیزی نگفته‌اند.



دسترسی شهروندان به آب آشامیدنی صحنی با گذشت هر روز کاهش می‌یابد



امیر کاوه

در کنار بحران فقر و گرسنگی، بیکاری و سقوط رونق اقتصادی، شهروندان کشور اکنون با بحران آب نیز دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

با توجه به کمبود و آلودگی فزاینده آب، خشک‌سالی‌های متواتر و عدم مدیریت سالم آب‌ها، مردم در گرمای سوزان تابستان، برای تهیه آب صحنی و کافی برای خانواده‌هایشان، ساعت‌ها در کوچه‌ها و پس‌کوچه‌های شهرها به دنبال آب می‌گردند. شهروندان در حالی از کمبود آب و بهای گزاف آن در کشور شکایت دارند که دفتر هماهنگ‌کننده امور بشردوستانه سازمان ملل متحد (اوجا) گزارش داده که تغییرات آب‌وهوا در افغانستان دست‌رسی خانواده‌ها به آب را ۶۰ درصد کاهش داده است. افزون بر این، نماینده‌گی اتحادیه اروپا، افغانستان را چهارمین کشور در معرض بحران بلایای طبیعی در جهان خوانده است. از طرف دیگر، افغانستان در منطقه آسیا - پاسفیک بنا بر ارزیابی شاخص‌های Inform Risk، در بلندترین درجه آسیب‌پذیری در مقابل حوادث طبیعی قرار دارد. این در حالی است که براساس گزارش یونیسف، از هر ۱۰ تن در افغانستان، ۸ تن آب غیرصحنی می‌نوشند و ۹۳ درصد از کودکان در مناطقی زنده‌گی می‌کنند که به‌شدت از ناحیه آب در مرحله آسیب‌پذیری بلند قرار دارند.

در پی خشک‌سالی‌های متواتر و عدم مدیریت آب‌های کشور، اکنون شهروندان افغانستان در بیشتر مناطق غربی و شهرهای بزرگ با بحران آب دست‌وپنجه نرم می‌کنند. بیشتر خانواده‌ها در شهرها

و مناطق روستایی کشور به آب صحنی آشامیدنی دسترسی ندارند. شماری از شهروندان می‌گویند که افزون بر نداشتن آب آشامیدنی صحنی، آبی برای حیوانات و کشت‌زارهایشان نیز ندارند. نوارهای تصویری و عکس‌هایی از باشندگان غرب کابل در رسانه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود که نشان می‌دهد ده‌ها مرد، زن و کودک با کراچی‌های مملو از بشکه‌های خالی، برای تامین نیازهای خود به شرکت‌های آب‌رسانی خصوصی مراجعه می‌کنند و تعداد زیادی از آن‌ها با کام‌های خشک و تشنه برمی‌گردند. آنان می‌گویند که بحران آب، فرصت سوءاستفاده را برای تعدادی از شرکت‌های آب‌رسانی خصوصی مساعد ساخته است.

شماری از باشندگان کابل می‌گویند که آنان روزها و شب‌ها در جست‌وجوی آب می‌گردند، ولی شرکت‌های آب‌رسانی به دنبال اخاذی و گرفتن هزینه‌های اضافی هستند. براساس ادعای باشندگان ناحیه ۱۳ شهر کابل، شرکت‌های آب‌رسانی در کنار این که آب‌رسانی نمی‌کنند، در بهای آب اضافه‌ستانی نیز می‌کنند. با این حال، شرکت‌های آب‌رسانی می‌گویند که سطح آب در شهر کابل پایین رفته و مطابق قرارداد آنان به مردم آب رسانده‌اند، ولی اکنون آبی وجود ندارد و آن‌ها به دنبال راه‌های بدیل هستند تا از بیرون شهر کابل، آب وارد کنند.

جان‌داد، یکی از باشندگان ناحیه سیزدهم شهر کابل، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که دو ماه می‌شود آب در نل‌های خانه‌های آنان نیامده است. به گفته او، شرکت قراردادی معیاد قراردادش ختم شده و در بدل تمدید قراردادش از هر خانواده، خواستار ۱۰ هزار افغانی است، اما ناحیه مربوط به مردم گفته است که

این مقدار پول را به شرکت متذکره پرداخت نکنند. او همچنان می‌افزاید که مردم به دنبال شرکت‌های آب‌رسانی بدیل هستند، اما شرکت قراردادی ادعا کرده که براساس دستور وزارت انرژی و آب، ساحه‌های کاری شرکت‌ها مشخص شده و شرکت‌های دیگر حق ندارند در ساحات آنان کار کنند.

خشک‌سالی و بحران آب تنها باشندگان کابل را تهدید نمی‌کند، بلکه مناطق غربی کشور با تهدید فزاینده‌تری بی‌آبی مواجه‌اند. گزارش‌ها از غرب کشور حاکی از آن است که باشندگان ولایت نیمروز در گرمای طاقت‌فرسای ۵۰ درجه سانتی‌گراد، نسبت به سال‌های گذشته یک تانکر آب را سه برابر بلندتر می‌خرند. علاوه بر نیمروز، بادغیس نیز با بحران آب صحنی مواجه است. شماری از باشندگان این ولایت می‌گویند که آنان حتا در شهر قلعه‌نو، مرکز بادغیس، به آب آشامیدنی صحنی دسترسی ندارند. به گفته آنان مناطق دوردست به‌شدت با کمبود آب مواجه‌اند، به‌گونه‌ای که حیوانات‌شان فاصله‌های زیادی را طی می‌کنند تا به آب برسند و گاه در مسیر راه تلف می‌شوند.

از سوی دیگر، باشندگان بیشتر مناطق روستایی غور افزون بر این که به آب آشامیدنی صحنی دسترسی ندارند، اکثریت چشمه‌ها و رودخانه‌ها در این ولایت در خطر نابودی و خشک شدن قرار دارند. کشاورزان در این ولایت می‌گویند که حاصلات آنان متکی بر زمین‌های للمی است، ولی بنا بر نبود باران‌های منظم و خشک‌سالی‌های سه سال گذشته، مزارع آن‌ها خشک شده و حاصلی از آن به دست نیآورده‌اند. برخی از باشندگان این ولایت می‌گویند که دریای هریرو که یکی از دریا‌های مهم و مشهور افغانستان است، در حال خشکیدن قرار دارد و در این فصل به‌شکل بی‌پیشینه سطح آب در آن پایین آمده است. براساس گزارش‌های منتشرشده، بیشتر ولایت‌های کشور با مشکلات کم‌آبی روبه‌رویند و در برخی از مناطق روستایی، مردم چندین ساعت را برای دریافت آب آشامیدنی منزل می‌زنند. این در حالی است که افغانستان یکی از آسیب‌پذیرترین کشورها از مجرای تغییرات اقلیمی و مشکلات زیست‌محیطی شناخته می‌شود، اما برای مبارزه با تغییرات منفی اقلیمی کاری صورت نمی‌گیرد. بر بنیاد ارزیابی شاخص‌های Inform Risk، افغانستان در بلندترین درجه آسیب‌پذیری در مقابل حوادث طبیعی قرار دارد.

صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) پیش از این گفته بود که از هر ۱۰ تن، ۸ تن در افغانستان آب غیرصحنی می‌نوشند و ۹۳ درصد از کودکان در مناطقی زنده‌گی می‌کنند که به‌شدت از ناحیه آب، در مرحله بالای آسیب‌پذیری قرار دارند. همچنان دفتر هماهنگ‌کننده امور بشردوستانه سازمان ملل متحد (اوجا) گزارش داده که تغییرات آب‌وهوا در افغانستان دست‌رسی خانواده‌ها به آب را ۶۰ درصد کاهش داده است. این نهاد در اوایل سال جاری گفت که میزان خانواده‌هایی که با کمبود آب در افغانستان مواجه‌اند، در سال ۲۰۲۱ به ۴۸ درصد می‌رسید، اما این رقم در سال ۲۰۲۲ به ۶۰ درصد افزایش یافته است. اوجا افزوده است که به دلیل تسریع تغییرات، برای حل بحران آب و فاضلاب در افغانستان، در سال جاری میلادی به ۴۷۹.۴ میلیون دالر نیاز است.

افغانستان پنج حوزه دریایی، ۲۵ رودخانه بزرگ و بیش از ۱۰۰ رودخانه کوچک دارد. سالانه حدود ۷۵ میلیارد متر مکعب آب رودخانه‌ای در جغرافیای این کشور سرازیر می‌شود، اما باشندگان کشور تنها ۲۰ میلیارد متر مکعب آن را استفاده می‌کنند. از سوی دیگر، براساس گزارش‌های نهادهای جهانی، یخچال‌های طبیعی افغانستان در حال آب شدن است. بر بنیاد گزارش‌ها، بیش از ۱۴ درصد از کل مساحت یخچال‌های طبیعی در ارتفاعات بلند افغانستان بین سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۱۵ از بین رفته است. احتمال می‌رود که این سرعت کاهش و آب شدن یخچال‌ها ادامه یابد.

کاهش آب‌های زیرزمینی، سرازیر شدن سیلاب، بلند رفتن درجه حرارت، کاهش بارندگی، بارش‌های بی‌موقع و تغییر رطوبت هوا از نشانه‌های تغییر اقلیم در افغانستان خوانده شده است. بیشتر ولایت‌های کشور در سال گذشته خورشیدی گواه جاری شدن سیلاب‌های مدهش، افزایش درجه حرارت، باران‌های بی‌موقع و زمستان سرد بودند.

در حال حاضر کشورهای مختلف جهان برای مقابله با تأثیرات تغییرات اقلیمی دست به کار شده‌اند. کنترل آب‌های سطحی و زیرزمینی، استفاده پایدار از منابع آب، کنترل زراعت، نشر و پخش پیام‌ها برای آگاهی عامه و تهیه پالیسی‌های کوتاه‌مدت و درازمدت از اقدام‌هایی است که از سوی کشورها روی دست گرفته شده است. در افغانستان اما به دلیل فقدان ثبات سیاسی، نبود حکومت مشروع، گسترش روزافزون فقر و بحران بشری، تلاشی برای مبارزه با تغییرات اقلیمی روی دست گرفته نشده است.

گفتنی است که افغانستان در حالی با بحران مدیریت آب و تغییرات اقلیمی مواجه است که اعضای سازمان ملل در کنفرانس آب ۲۰۲۳ این سازمان که بزرگ‌ترین گردهمایی کشورهای عضو بوده، گفتند که چرخه آب یک کالای مشترک جهانی است و حق امنیت آب آشامیدنی باید برای همه انسان‌ها مورد احترام قرار بگیرد.

نرسیدن به موقع کمک‌ها به باشندگان پنجشیر؛

بیش از ۵۰۰ کودک دچار سوءتغذیه شده‌اند

۸ صبح، پنجشیر



افزود: «طرف ظاهر ما نبین که کوه درد هستیم. تا پیش از حاکمیت طالبان در یکی از فروشگاه‌های کابل گارد امنیتی بودم، اما حدود دو سال می‌شود که بیکار هستم و به نان شب و روز ما درماندیم. روزی شده که نان نداشتیم و فقط جای بوره یا توت و تلخان خوردیم. چند روز پیش خانمم مریض بود، پول کرایه راه نداشتیم که تا شفاخانه می‌رساندمش. دخترکم اگر شفاخانه دولتی نمی‌بود، شاید از دست می‌دادمش.»

ادامه در صفحه ۷

دلیل نبود مواد غذایی کافی به سوءتغذیه مبتلا شده است. فرشته تصریح کرد: «چند روز است که پسرم به سوءتغذیه دچار شده و داکتران برم گفتند که کودک تان تغذیه درست و سالم نشده است. شوهرم سرباز بود، اما فعلا بیکار است. داکتر را گفتم که بعضی اوقات ما نان به خوردن نمی‌داشته باشیم، چه رسد به تغذیه سالم فرزندانم.»

سمیع‌الله، یکی از دیگر از ساکنان ولایت پنجشیر است. دختر دوساله سمیع‌الله نیز به بیماری سوءتغذیه مبتلا و در شفاخانه ایمرجنسی پنجشیر بستری است. او در حالی که دست روی الاشه در بیرون از صحن این شفاخانه نشسته بود، با چشمان پراشک و گلوی پر فیض، در صحبت با روزنامه ۸ صبح روایت تلخی از وضعیت بد اقتصادی‌اش می‌کند. وی

بودن سیستم غذایی و یا در نبود غذای کافی برای بزرگسالان و کودکان رخ می‌دهد. این مرض، تأثیر منفی بیشتری بر کودکان دارد. اکنون شماری از داکتران بحران مواد غذایی و نبود امنیت غذایی در افغانستان را از عوامل بیشتر شدن رقم مبتلایان به این بیماری عنوان می‌کنند و می‌گویند که با توجه به گسترش دامنه فقر در کشور، احتمال می‌رود این بیماری بیش از پیش افزایش پیدا کند.

فرشته، مادر یک پسر مبتلا به سوءتغذیه است که در کنار بستر فرزندش برای رهایی از دام این بیماری، در شفاخانه ولسوالی رخه ولایت پنجشیر انتظار می‌کشد. او چهار فرزند قد و نیم‌قد دارد و شوهرش سرباز ارتش حکومت پیشین بود. وی در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که فرزند یک‌ساله‌اش به

ریاست صحت عامه طالبان در پنجشیر از افزایش کودکان مبتلا به بیماری سوءتغذیه در این ولایت خبر می‌دهد. به گفته این نهاد، تنها در دو ماه گذشته بیش از ۵۰۰ کودک به بیماری سوءتغذیه در این ولایت مبتلا شده‌اند. در همین حال برخی از باشندگان پنجشیر می‌گویند که به علت گسترش فقر، نبود مواد غذایی کافی و عدم تغذیه سالم، شمار زیادی از کودکان آن‌ها به بیماری سوءتغذیه دچار شده‌اند. آنان، نرسیدن کمک‌های به موقع از سوی نهادهای امدادرسان در نقاط دوردست پنجشیر را از عوامل دیگر گسترش این بیماری می‌دانند. سوءتغذیه، بیماری‌ای است که بیشتر بر اثر نامتوازن



نگاهی به حضور چین در خاور میانه

شجاع‌الدین امینی

حضور چین به‌مثابه یکی از قدرت‌های بزرگ دنیا در خاور میانه زمانی رسانه‌های دنیا را به خود مشغول ساخت که شی جین‌پینگ، رییس‌جمهور این کشور، در ۷ دسامبر ۲۰۲۲ در سفر رسمی سه‌روزه وارد عربستان شد و با استقبال کم‌نظیر مواجه گردید. چیزی که استقبال از شی را خبرساز کرد، استقبال سرد از جو بایدن، رییس‌جمهور آمریکا، هنگام سفر به ریاض در ۱۵ جولای ۲۰۲۲ بود که بسیاری‌ها آن را روی‌گردانی از آمریکا و روی‌آوردن به چین تعبیر کردند.

گام کلان دیگری که چین برداشت، امضای توافق‌نامه عادی‌سازی روابط در ۱۰ مارچ سال جاری میان ایران و عربستان در بیجینگ بود. چین به رقابت گرم هفت‌ساله میان دو کشور پایان داد و رابطه دیپلماتیک میان طرفین از سر گرفته شد. خبر عادی‌سازی رابطه میان ریاض و تهران با پادرمیانی چین بار دیگر به خلق تبصره‌ها پیرامون این که گویا چین دارد جای خالی آمریکا در خاور میانه را پر می‌کند، انجامید.

ریاض در ۱۱ جون سال روان میزبان نشست بزرگ تجاری میان چین و کشورهای عرب زیر نام «دهمین کنفرانس تجاری چین و عرب» برای دو روز بود. در این نشست، نماینده‌گان ۲۳ کشور عرب، تاجران، سرمایه‌گذاران و کارآفرینان شرکت کرده بودند. این نشست نشان داد که چین و اعراب متقابلاً به دوام همکاری رضایت دارند.

در ۱۳ جون سال روان محمود عباس، رییس‌اداره خودگردان فلسطین، در سفر چهارروزه وارد بیجینگ شد و با مقام‌های چین دیدار کرد. این سفر نیز به پیمانه دو نمونه پیشین در رسانه‌ها پراهمیت تلقی شد؛ چون ایشان به نمایندگی از مردم و سرزمینی که چین سفر کرده بود که از ۱۹۴۸ بدین‌سو کانون منازعه در خاور میانه به‌حساب می‌رود. سفر محمود عباس به چین این گمانه را در ذهن‌ها تقویت کرد که گویا اداره خودگردان فلسطین از چین انتظار دارد به‌منظور پایان‌دادن به منازعه میان فلسطین و اسرائیل گام بردارد.

به‌تازه‌گی رسانه‌ها از سفر بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر اسرائیل، در آینده نزدیک به چین خبر داده‌اند. اهمیت سفر نتانیا‌هو به چین اگر بیش از سه نمونه فوق نباشد، کم هم نیست. چیزی که این سفر را پراهمیت نشان می‌دهد این است که جو بایدن هنوز رضایت خود را مبنی بر سفر نتانیا‌هو به آمریکا نشان نداده است. در این وضعیت سفر نتانیا‌هو به چین می‌تواند نوعی دلخوری اسرائیل از آمریکا تلقی

اقتصاد رو به رشد این کشور بود که نفت تولیدی در داخل نمی‌توانست پاسخ‌گوی آن باشد. امروزه چین پس از آمریکا در واردکردن نفت جایگاه دوم را دارد و حتا براساس برخی گزارش‌ها، در سال ۲۰۱۶ از آمریکا در زمینه پیشی گرفت. اقتصاد چین نیازمند تولید نفت بیشتر است. به هر پیمانه اقتصاد این کشور رونق یابد، نیازمندی‌اش به نفت به همان پیمانه بیشتر خواهد شد. براساس پیش‌بینی انجام‌شده از سوی سازمان بین‌المللی انرژی، میزان مصرف روزانه نفت خام چین از ۶.۲ میلیون بشکه در سال ۲۰۰۴ به ۱۳.۱ میلیون بشکه در سال ۲۰۳۰ افزایش خواهد یافت. همچنان میزان واردات نفت این کشور در سال ۲۰۳۰ بیش از ۷۲ درصد کل نفت مصرفی آن خواهد بود.

خاور میانه مهم‌ترین منبع تامین انرژی برای چین است. گفته می‌شود که بیش از ۵۷ درصد واردات نفت چین از خلیج فارس تامین می‌شود. در خصوص تامین انرژی چین از خلیج فارس دو نکته حایز اهمیت است: اول این که چین این حوزه را تنها منبع تامین انرژی انتخاب نکرده است، بلکه از سایر کشورها و مناطق نفت‌خیز دنیا نفت وارد می‌کند و در این زمینه فراوان سرمایه‌گذاری کرده است. شاید هدف چین از اتخاذ راهبرد چندمنبعی بودن این باشد که سطح آسیب‌پذیری‌اش را پایین آورد. برای نمونه، اگر روزی از سوی کشورهای خلیج فارس تحریم نفتی شود، بدیل آن از قبل آماده باشد. دوم این که چین حضور آمریکا در خلیج فارس را برای تامین امنیت انرژی یک ضرورت می‌داند. وقتی امنیت انرژی تامین باشد، از یک طرف روند انتقال آن به چین مضمون خواهد بود و از سوی دیگر، خطر افزایش بهای انرژی رفع خواهد شد.

عامل دوم، تجارت پر سود چین با کشورهای خاور میانه به‌ویژه شورای همکاری خلیج فارس است. از این میان، عربستان شریک درجه اول تجاری چین به‌حساب می‌رود. براساس گزارش‌ها، حجم تجارت میان چین و شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون دالر بود، ولی در ۲۰۰۸ به ۷۰ میلیارد دالر افزایش پیدا کرد و این روند سیر صعودی خود را می‌پیماید. همچنان در سال ۲۰۲۲ حجم تجارت میان چین و کشورهای عرب بالغ بر ۴۳۰ میلیارد دالر بوده است که نسبت به سال ۲۰۲۱ رشد ۱۰ درصدی را نشان می‌دهد. همین‌طور، رابطه تجاری چین با ترکیه و ایران نیز افزایش چشم‌گیر را نشان می‌دهد.

عامل سوم، تجارت اسلحه است. چین در زمینه تسلیحات پیشرفته با کشورهای خاور میانه دادوستد دارد. آمریکا بنابر دلایلی از فروش برخی تسلیحات پیشرفته به کشورهای خاور میانه اجتناب ورزیده است؛ ولی چین در زمینه مانعی نمی‌بیند. کشورهای خاور میانه چیزی را که نتوانند از آمریکا به‌دست آورند، از چین دریافت می‌کنند. برای نمونه، عربستان موشک‌های CSS-۲، CSS-۴، CSS-۵ دوربرد با ظرفیت حمل کلاهک هسته‌ای را از چین خریداری کرده است. همچنان چین در جنگ اول خلیج (۱۹۸۰-۱۹۸۸) به طرفین جنگ که ایران و عراق باشد، به ارزش ۵ میلیارد دالر اسلحه فروخت. چین به کشورهای اسلامی در خاور میانه اسلحه می‌فروشد؛ اما از اسرائیل خرید می‌کند. اسرائیل پس از روسیه در جایگاه دومین فروشنده اسلحه به چین قرار دارد؛ چون اسرائیل متحد کشورهای غربی است و تسلیحات پیشرفته غربی در اختیار دارد که چین از دسترسی به آن‌ها محروم است. اگرچه کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا، اسرائیل را از فروش تسلیحات پیشرفته به چین منع کرده‌اند، ولی گفته می‌شود اسرائیل به‌گونه پنهانی تجربه خود در زمینه ساخت اسلحه غربی را با چین شریک کرده است که نمونه مهم آن همکاری اسرائیل در زمینه ساخت جنگنده [F-۱۰S از سوی چین می‌باشد.

عامل چهارم، جدایی‌طلبی مسلمان‌های ایالت سنکیانگ است. چین به نقض حقوق مسلمان‌های این منطقه متهم است. انتظار چین از تامین رابطه با کشورهای خاور میانه این است که از داعیه اوینغورهای جدایی‌طلب حمایت نکنند و به این گروه در خاک خود پناه ندهند. به نظر می‌رسد این انتظار چین برآورده شده است. ایران به‌مثابه کشور اسلامی که ندای دفاع از مسلمان‌ها را سر می‌دهد، در برابر سرکوب مسلمان‌های اوینغور مهر سکوت بر لب زده است، ولی در برابر سرکوب فلسطینی‌ها نه؛ چون اسرائیل دشمن ایران است و چین دوست آن.

انرژی (نفت و گاز) خاور میانه است که چین به‌دنبال خرید آن است. خاور میانه به‌ویژه منطقه خلیج فارس مرکز بزرگ نفت و گاز دنیا به‌حساب می‌رود. براساس گزارش‌ها، ۶۵.۳ درصد نفت و ۳۳.۶ درصد گاز دنیا در خاور میانه خوابیده است. نهنتها چین که سایر قدرت‌های بزرگ دنیا نیز به نفت و گاز این منطقه در گذشته و حال چشم دوخته‌اند.

شود.

با توجه به نکات فوق، دو پرسش مطرح می‌شود: ۱- چین در خاور میانه به‌دنبال چیست؟ ۲- چرا کشورهای خاور میانه [اعم از دوستان و رقیبان آمریکا] از حضور چین در این منطقه به گرمی استقبال می‌کنند؟

۱- چین در خاور میانه به‌دنبال چیست؟

عامل اول، انرژی (نفت و گاز) خاور میانه است که چین به‌دنبال خرید آن است. خاور میانه به‌ویژه منطقه خلیج فارس مرکز بزرگ نفت و گاز دنیا به‌حساب می‌رود. براساس گزارش‌ها، ۶۵.۳ درصد نفت و ۳۳.۶ درصد گاز دنیا در خاور میانه خوابیده است. نهنتها چین که سایر قدرت‌های بزرگ دنیا نیز به نفت و گاز این منطقه در گذشته و حال چشم دوخته‌اند. بریتانیا در گذشته به‌دنبال تملک انحصاری بر نفت خلیج فارس بود که منجر به تنش با دولت وقت ایران شد. دولت محمد مصدق در ایران نفت را ملی ساخت و آمریکا و بریتانیا با سامان‌دهی کودتا در سال ۱۹۵۳ او را از قدرت برانداختند و بذر دشمنی میان ایران و آمریکا دقیقاً در این برهه کاشته شد. پس از آن که بریتانیا در ۱۹۷۱ بساط خود را از خلیج فارس برچید، آمریکا جای خالی آن را پر کرد و صدور انرژی این منطقه به کشورهای صنعتی را در صدر اهداف خود قرار داد.

چین به‌مثابه کشوری که اقتصاد رو به رشد دارد، به انرژی شدیداً نیازمند است. این کشور با آن که یکی از تولیدکننده‌گان نفت در دنیا به‌حساب می‌رود، پس از سال ۱۹۹۳ به واردکردن نفت آغاز کرد. عامل آن

۲- چرا کشورهای خاور میانه از حضور چین به گرمی استقبال می‌کنند؟

عامل اول، اقتدارگرا بودن دولت چین است. بیش‌تر کشورهای خاور میانه به‌ویژه امیرنشین‌های عربی از این حیث با چین وجه مشترک دارند. در این کشورها، خبری از تساوی جنسیت، حقوق بشر، مشارکت عادلانه همه گروه‌ها در قدرت، آزادی‌های سیاسی شهروندان، انتخابات و ... نیست. چین نیز چنین است. چین از نظم بین‌المللی لیبرال تنها وجه اقتصادی آن را گرفته و بقیه وجه آن را نپذیرفته است. ازاین‌رو، بسیاری‌ها وضعیت پس از مائو تسه‌دونگ در چین را «انقباض سیاسی و انبساط اقتصادی» تعریف می‌کنند.

همچنان چین ظاهراً به تمامیت ارضی و حاکمیت داخلی کشورها احترام می‌گذارد؛ چیزی که برای دولت‌های اقتدارگرا و محافظه‌کار اهمیت دارد. چین زیر نام حقوق بشر، حقوق زن و مردم‌سالاری در امور داخلی هیچ یک از کشورهای خاور میانه دخالت نکرده و نمی‌کند؛ چون این مسایل در قاموس سیاست خارجی چین جا ندارد. همین است که از حضور این کشور در خاور میانه حتا بیش‌تر از آمریکا به گرمی استقبال می‌شود؛ چون آمریکا اگر امتیازی به کشورهای خاور میانه قایل می‌شود، در بدل آن، تامین حقوق بشر را خواستار می‌شود؛ چیزی که کام بسیاری از کشورهای خاور میانه را تلخ می‌سازد. برای مثال، سردی رابطه عربستان با امریکای تحت مدیریت جو بایدن را ذیل ارزش‌های حقوق بشر می‌توان معنا کرد. زیرا امریکا به این باور است که عربستان به ارزش‌های دموکراتیک به‌ویژه حقوق بشر عنایت به خرج نمی‌دهد. امریکا از خیزش‌های عربی در ۲۰۱۱ حمایت کرد و آن را «بهار عربی» نام داد، ولی چین حمایت نکرد و آن را مساله داخلی کشورها خواند.

چین به هیچ یک از کشورهای خاور میانه حمله نظامی نکرده و تجربه استعمارگری ندارد. ازاین‌رو، حضورش در خاور میانه برای بسیاری از کشورها جذابیت دارد. برای مثال، چین حمله نظامی عراق بر کویت را محکوم کرد؛ اما به اخراج عراق از کویت با توسل به جنگ رضایت نداشت. همچنان با اعمال تحریم علیه این کشور تا سال ۲۰۰۳ موافق نبود. چین به نحوی می‌کوشد نشان دهد که به‌دنبال رفع مشکل از راه مذاکره با تاکید بر نهادهای بین‌المللی است نه توسل به زور آن‌هم به شیوه یک‌جانبه‌گرایانه. عامل دوم، بی‌طرفی چین است. چین در خاور میانه سیاست بی‌طرفی را پیشه خود ساخته است. یا می‌توان گفت که به نحوی سیاست چندجانبه‌گرایی یا موازنه‌سازی را در پیش گرفته است؛ سیاستی که خلاف سیاست امریکاست: یک‌جانبه‌گرایی. چین خیلی ماهرانه کوشیده است تا توازن میان کشورهای متخاصم در خاور میانه را نگه دارد. برای نمونه، از اسرائیل سلاح خرید می‌کند و به ایران سلاح می‌فروشد و به این ترتیب هر دو را راضی نگه می‌دارد. همین‌طور، موازنه میان ایران و عربستان، ایران و امارات، و اعراب و اسرائیل را خوب نگه داشته است و این کشورها در سیاست اعلامی‌شان از رفتار چین در منطقه رضایت دارند. اما امریکا طوری که معلوم است بیش‌تر یک‌جانبه‌گرایانه رفتار کرده و کشور الف را فدای کشور ب کرده است. امریکا از اتلاف حقوق فلسطینی‌ها به‌واسطه اسرائیل اگر به‌گونه روشن حمایت نکرده، چشم‌پوشی کرده و مطالبه بقیه کشورهای خاور میانه را نادیده گرفته است. همین‌طور، در سال ۲۰۰۳ در همسویی با بریتانیا و بدون مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد، به عراق حمله نظامی انجام داد و کشورهای عرب را از زده‌خاطر ساخت. امریکا شورای همکاری خلیج فارس متشکل از کشورهای عرب را تشکیل داد تا ایران را بیش‌تر به انزوا براند. همین امر سبب شده تا کشورهای خاور میانه به امریکا اعتماد نکنند. امریکا در خاور میانه تا این دم موفق به برقراری صلح نشده است، در حالی که تلاش‌های فراوانی انجام داده است. اما چین سیاست بی‌طرفی فعال را در پیش گرفته و کشورها آن را به‌مثابه میانجی صادق پذیرفته‌اند که نمونه روشن آن امضای پیمان عادی‌سازی رابطه میان ایران و عربستان است.

نکته پایانی این که نه امریکا از خاور میانه به این زودی‌ها می‌رود، نه کشورهای عربی از امریکا روی برمی‌گردانند، و نه چین قصد آن دارد که حضور امریکا در خاور میانه را به چالش بکشد یا بخواهد جای خالی آن را پر کند.



در اواخر سال ۲۰۲۰، برای همه آشکار شده بود که ایالات متحده قطعاً نیروهای خود را از افغانستان خارج می‌کند. پیرامون این موضوع نهادهای امنیتی پاکستان و تصمیم‌گیرنده‌گان سیاسی این کشور در رابطه با پیامدهای خروج و عواقب احتمالی آن صحبت می‌کردند. برای بیش از دو دهه، اعضای ناتو و کشورهای شریک آن‌ها صلح [نسبی] را در افغانستان را با ۱۳۰ هزار سرباز در اوج جنگ مستقر کرده بودند. با خروج آن‌ها، طالبان کنترل افغانستان را در ظرف چند هفته به دست خود گرفتند. رابطه طالبان با تحریک طالبان پاکستان، دولت اسلامی خراسان و انشعاب احتمالی تحریک طالبان پاکستان و ادغام بالقوه با دولت اسلامی خراسان، از بدترین سناریوهای مورد نظر استراتژیست‌های پاکستانی بود؛ اما در کل مهم‌ترین محور بحث تحریک طالبان پاکستان بود.

در آگست ۲۰۲۰، تحریک طالبان پاکستان روند سازمان‌دهی، گروه‌بندی و تنظیم شبکه‌های مالی را مجدداً آغاز کرد؛ زیرا این گروه نگران بود که نفوذش را در میان مردم از دست بدهد. این نگرانی به دلیل ناتوانی در انجام حملات در مقیاس بزرگ و کاهش منابع مالی آن، در پی عملیات ضرب‌عضب ارتش پاکستان برای ریشه‌کن کردن این گروه از وزیرستان شمالی بود.

این عملیات به درگیری‌های داخلی و ازهم‌پاشیده‌گی در درون این گروه دامن زد و اعضای تحریک طالبان پاکستان را مجبور کرد که در جست‌وجوی سرپناه، حتا به افغانستان، فرار کنند. دوره آرامش نسبی از زمان تکمیل عملیات ضرب‌عضب در مناطق قبایلی، با عملیات رد‌الفساد به وجود آمده و ساختاری سازمانی و اقتصادی تحریک طالبان پاکستان را ناتوان کرده بود.

اما پس از تجدید قوا در ماه می ۲۰۲۳، تحریک طالبان پاکستان ادعا کرد که ۷۶ حمله را در سراسر کشور انجام داده است، بالاترین سطح حملات در هشت سال گذشته. هنگامی که برای اولین بار در سال ۲۰۰۷ این گروه ظاهر شد، شامل حدود نه گروه فرعی بود؛ اما در اوایل دهه ۲۰۲۰، بیش از ۳۰ گروه فرعی شورشی مختلف با قومیت‌ها و توانایی‌های مختلف در درون تحریک طالبان پاکستان ادغام شدند.

حتا زمانی که تحریک طالبان پاکستان هیچ قلمروی در داخل پاکستان نداشت، این موضوع توسط این گروه همواره رد شده است و این گروه مکرراً ادعا می‌کند که در خاک پاکستان فعالیت می‌کند. این گروه در ماه‌های گذشته حداقل یک حمله به‌صورت روزانه در پاکستان انجام داده است. به رغم مذاکراتی که این گروه طی دو سال با دولت پاکستان انجام داد، تحریک طالبان پاکستان همچنان یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های امنیتی پاکستان است.

«**استراتژی بازی پایانی**»

قبل از سقوط کابل به دست گروه طالبان، سران پاکستان نگران این موضوع بودند که تحریک طالبان پاکستان مبدل به گروه نیابتی برای کشورهای رقیب پاکستان شود. این استدلالی است که اسلام‌آباد علیه این گروه شبه‌نظامی به کار برده است تا پس از تسلط طالبان بر افغانستان، دیگرگرایی لازم را برای از بین بردن ایدئولوژی و نیات آن ایجاد کند.

در آن زمان، نتیجه این بود که پس از خروج ایالات متحده، نیروهای خشن در افغانستان مشروعیت خود را برای جنگ از دست خواهند داد. مقامات پاکستانی به این باورند که وقتی این اتفاق بیفتد، تحریک طالبان پاکستان مشروعیت ایدئولوژیکی که در درگیری با دولت برخوردار بود را نیز از دست خواهد داد. به‌عنوان یک راهنمای مرجع برای این نوشته، از کتاب نوشته‌شده جان‌اتان پاول، مشاور ارشد تونی بلر، با عنوان گفت‌وگو با تروریست‌ها: چگونه به درگیری‌های مسلحانه پایان دهیم، استفاده شده است.

در ذهن خودشان، استراتژیست‌های آن زمان تصور

شورش مجدد تحریک طالبان پاکستان

نویسنده‌گان:

افتخار فردوس، ریکاردو وال و احسان‌الله تیبو محسود

مترجم:

علی‌سجاد مولایی

منبع:

دان

می‌کردند که زمان مناسب برای تعامل با گروه‌های شورشی، پس از یک فاجعه طبیعی، تغییر الگو در دینامیک‌های داخلی، تغییرات در رهبری یا هم‌وضعیتی که شرایط مطلوب سیاسی است. در مورد پاکستان، تغییر جهانی با خروج ایالات متحده از افغانستان شکل گرفت و نهادهای امنیتی پاکستان احساس کردند که حالا زمان مناسب است که جنگ با ترور یک پایان منطقی داشته باشد. با این حال، این فرض بر یک شرط استوار بود و انتظار این‌که طالبان افغانستان با اعمال تمام نفوذ خود بر تحریک طالبان پاکستان، لطف خود را به پاکستان برگردانند، نه فقط برای آوردن آن‌ها به میز مذاکره، بلکه به حملات خشونت‌آمیز در داخل پاکستان نیز پایان دهند، بعید به نظر می‌رسید. بدین ترتیب یک سری گفت‌گوها در چندین سطحی آغاز شد که اولین آن در الواره مندی، وزیرستان شمالی، در دسامبر ۲۰۲۰ برگزار شد. نماینده‌گان نهادهای امنیتی پاکستان با فرستاده‌گان برجسته تحریک طالبان پاکستان از جناح‌های محسود و سوات دیدار کردند.

حداقل ۱۱ گروه در این گفت‌وگوها شرکت کردند که هدف آن‌ها برقراری تماس، ایجاد اعتماد و پیدا نمودن فرصت برای رفع موانع و ورود به مذاکرات رسمی بود. این جلسه آرام باقی ماند، هرچند مملو از سوءظن و اضطراب در مورد مسیر نامشخص آینده بود. با این حال، هر دو طرف توافق کردند که روندی را برای تعاملات آتی اتخاذ کنند.

مذاکرات

با نگاهی به گذشته، مذاکرات صلح یا گفت‌وگوهای صلح ممکن است به سه مرحله مجزا تقسیم شود. اولین مرحله زمانی بود که جنرال (بازنشسته) فیض حمید به‌عنوان رییس سازمان اطلاعات داخلی پاکستان ایفا وظیفه می‌کرد و ایالات متحده هنوز از افغانستان خارج نشده بود. در آن زمان تماس‌هایی برقرار گردید، اقدامات اعتمادسازی انجام شد و نقشه مفصلی برای مذاکرات ترسیم شد. در آن زمان، چندین مقام دولتی، از جمله رییس جمهور عارف علوی و نخست‌وزیر عمران خان تأیید کردند که مقامات در حال مذاکره با تحریک طالبان پاکستان هستند و به دنبال آن اعلام رسمی آتش‌بس بین تحریک طالبان پاکستان و دولت پاکستان در نوامبر ۲۰۲۱ صورت گرفت.

مرحله دوم زمانی آغاز شد که جنرال فیض به‌عنوان فرمانده قول‌اردمی پشاور منصوب شد، ایالات متحده از کابل خارج شده بود و طالبان در افغانستان قدرت را در اختیار داشتند. در طول آن مرحله، از طریق جلسات مکرر در خوست، کابل و پشاور بین همه ذی‌نفعان مربوطه، از جمله هیاتی از طالبان افغان که به‌عنوان واسطه عمل می‌کرد، گفت‌وگوهای مفصلی انجام گرفت.

مرحله سوم زمانی آغاز شد که جنرال فیض به خارج از پشاور اعزام شد. در طول آن مرحله، روند کند سپس متوقف شد و در نهایت پس از ورود پیکارجویان وابسته تحریک طالبان پاکستان به دره سوات و حمله بر پولیس، که از حضور آن‌ها در منطقه بی‌خبر بود، مذاکرات شکست خورد.

ذکر این نکته حایز اهمیت است که پس از سقوط کابل، اشتیاق برای آشتی با تحریک طالبان پاکستان در داخل نهادهای امنیتی پاکستان به میزان قابل توجهی افزایش یافته بود. تلاش‌هایی برای ارزیابی احساسات قبایل محلی در مورد بازگشت احتمالی پیکارجویان به روستاها و قبایل مربوطه‌شان انجام شد. جلساتی با بزرگان از هر هفت منطقه قبایلی برگزار شد که عموماً با ایده جذب پیکارجویان در حوزه‌های فرهنگی و جغرافیایی مربوطه موافق بودند. اما همه اقوام توافق کردند که باید بدون سلاح بیایند و خود را ارباب مناطق خود فرض نکنند، یا تلاشی برای ایجاد یک اداره موازی، همان‌طور که در گذشته دیده شده بود، نکنند.

با این حال، بازگشت پیشنهادی آن‌ها برای خانواده‌هایی که عزیزان‌شان به دست تحریک طالبان پاکستان کشته شده بودند، موضوعی بحث‌برانگیز بود. آن‌ها حاضر نبودند به این راحتی بیخشند و فراموش کنند.

تحریک طالبان پاکستان و طالبان افغانستان؛ دوروی یک سکه

با بازگشت طالبان افغان به کابل در ۱۵ آگست ۲۰۲۱، تحریک طالبان پاکستان به‌ظاهر جسورتر شد، هم از نظر ایدئولوژیکی و هم از نظر عملیاتی. از آن زمان، این گروه به‌طور جدی روند احیای مجدد خود را آغاز کرد و از یک

گروه شبه‌نظامی به یک گروه شورشی تمام‌عیار تغییر رویکرد داد. در جنوری ۲۰۲۳ تحریک طالبان پاکستان با الهام از طالبان افغانستان ساختار تشکیلاتی و عملیاتی مشابه ساخت.

به نوبه خود، طالبان افغانستان از تحریک طالبان پاکستان به‌عنوان توسعه ساختار اداری خود در مناطق قبایلی استفاده می‌کردند. از آن‌جایی که تحریک طالبان پاکستان تحت بیعت به طالبان افغانستان بودند، آن‌ها به‌طور پیش‌فرض به حاکمان کابل عمق استراتژیک و ایدئولوژیکی معینی را در پاکستان ارایه می‌دادند؛ پدیده‌ای که زمانی اسلام‌آباد با جدیت آن را در رابطه با افغانستان دنبال و عملی می‌کرد.

در جریان شورش طالبان افغانستان، طالبان شروع به انتصاب والیان و ولسوال‌ها در سایه کردند. در کنار تشکیل ولایات، طالبان نیز به‌تدریج ۱۸ کمیسیون را ایجاد کردند که مانند وزارت‌خانه‌ها عمل می‌کردند و تمام جنبه‌های حکومت‌داری اعم از سیاسی، اقتصادی، رسانه‌ای و فرهنگی را در بر می‌گرفت. در فبروری سال جاری، تحریک طالبان پاکستان یک ساختار سازمانی جدید را اعلام کرد که شامل دو منطقه شمالی و جنوبی است که در آن نه واحد اداری و عملیاتی (ولایات سایه) ایجاد شده است. از این میان، هفت واحد ایالت خیبرپختونخوا را پوشش می‌دهد، یکی در گیلگیت-بالتستان و دیگری در بخش ژوب بلوچستان بود که اکثر ساکنان آن پشتون هستند. در ماه جون، واحد دیگری نیز در بلوچستان برای نواحی قلات و مکران تأسیس شد که اولین پایگاه سازمان‌یافته و ارضی تحریک طالبان پاکستان در منطقه‌ای غیرپشتون‌نشین در این ایالت بود. علاوه بر این، دو واحد اداری جدید نیز در پنجاب ایجاد شد که به‌طور بالقوه افق‌های عملیاتی گروه را در مراکز شهری گسترش می‌دهد. هر ولایت توسط یک والی در سایه و حداقل یک معاون و همچنین توسط یک افسر استخبارات نظارت می‌شود که الگوی طالبان افغانستان است.

در ویدیویی که در دسامبر ۲۰۲۱ منتشر شد، نورولی محسود، رهبر تحریک طالبان پاکستان، اظهار داشت که این گروه ادامه طالبان افغانستان در داخل پاکستان است. در گزارش تازه منتشرشده تیم حمایت و نظارت بر تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد افغانستان نیز آمده است: «طالبان [افغانستان] تحریک طالبان پاکستان را تهدیدی برای افغانستان نمی‌دانند، بلکه آن را بخشی از امارت‌شان می‌دانند.» بنابراین، در حالی که از یک سو توافق دوچه، طالبان افغانستان را از میزبانی هر گروه شبه‌نظامی خارجی در خاک افغانستان منع می‌کرد، از سوی دیگر، حضور تحریک طالبان پاکستان در افغانستان بسیار آشکار است، هرچند رژیم کابل بارها این موضوع را رد کرده است. در گزارش تیم نظارت شورای امنیت سازمان ملل آمده است: «خلاف اظهارات مبنی بر عدم استفاده از خاک افغانستان برای حملات علیه سایر کشورها، طالبان فعالیت‌های تحریک طالبان پاکستان را در نوار مرزی حمایت کرده و اجازه داده‌اند. اما آشکارترین پیوند بین این دو گروه، سلسله‌مراتب معنوی است. امیر تحریک طالبان پاکستان تحت امر مستقیم هبت‌الله آخوندزاده، رهبر طالبان افغانستان، است.»

در ادبیاتی جهادی، مفهوم بیعت سنگ‌بنای پشتی‌بان شبکه است و اعتبار آن با کسانی که حداقل تا زمان مرگ‌شان از بیعت بهره‌مند می‌شوند، پیوند تنگاتنگی دارد.

گروهی از سازمان‌های جهادی تا کنون با آخوندزاده، از جمله گروه‌های محلی مانند تحریک طالبان پاکستان و گروه‌های جهانی مانند القاعده، بیعت کرده‌اند. آن‌ها به طالبان وفادار خواهند ماند و برعکس از حمایت طالبان افغانستان در مواقع بحران بهره‌مند خواهند شد.

جنگ رسانه‌ای جدید

تحریک طالبان پاکستان به‌عنوان ابزاری مکمل برای استراتژی نظامی خود، توانایی رسانه‌ای خود را برای تبلیغات بیشتر افزایش داده است.

با سازمان‌دهی مجدد کمیسیون رسانه‌ها و اداره رسانه عمر که اکنون توسط یک ایدئولوگ ارشد تحریک طالبان پاکستان و عضو سابق القاعده در شبه‌قاره هند چودری منیب‌الرحمان جت رهبری می‌شود، فعالیت‌های رسانه‌ای این گروه به‌شدت متنوع شده است و آن را به ابزاری قدرت‌مندی برای جذب نیروهای تازه‌نفس و ایجاد یک روایت موثر برای این گروه مبدل کرده است. در سال‌های اخیر، تحریک طالبان پاکستان همچنین با راه‌اندازی

چندین مجموعه جدید مرتبط با موضوعات مختلف، از جنگ مسلحانه گرفته تا اظهارنظر در مورد رویدادهای سیاسی-اجتماعی و انتقادهایی که متوجه دولت و نهادهای عمومی است، تولید ویدیوهای خود را افزایش داده است. در حین زمان بخش رادیویی رسانه عمر که توسط مولوی یاسر رهبری می‌شود، پادکست ۲۰ قسمتی پاسون را نشر کرده است.

هر قسمت دارای چندین مهمان است و معمولاً از وزیران [سایه] تحریک طالبان پاکستان یا اعضای کمیسیون‌های مختلفی که این گروه ایجاد کرده است، به‌عنوان مهمان استفاده می‌شود. از طریق این پادکست، سخنرانان به وضعیت سیاسی و اقتصادی پاکستان می‌پردازند و از این طریق از ناراضیاتی‌ها و ناامنی‌ها برای پیش‌برد دستور کار خود و مشروعیت بخشیدن به مبارزه خود سوء‌استفاده می‌کنند.

در همین حال تحریک طالبان پاکستان چاپ نشریات مکتوب خود، به‌ویژه «مجله طالبان»

را بیشتر کرده است. این مجله، چهار سال پس از تأسیس در سال ۲۰۱۶، تنها هشت شماره منتشر کرده بود، اما بین جنوری تا جون ۲۰۲۳، تا کنون پنج شماره منتشر شده است. نه‌تنها حجم نشریات افزایش چشم‌گیری داشته، بلکه کیفیت محتوای آن نیز افزایش یافته است و دایما بین سیستم حکومتی پاکستان و سیستم حکومتی در افغانستان تحت حکومت طالبان مقایسه می‌شود.

علاوه بر این، تحریک طالبان پاکستان اخیراً از انتشار یک نشریه ده‌روزه «منزل» خبر داده که عمدتاً حاوی گزارش‌هایی از حملات هدف‌مندی است که انجام می‌دهد و چندین ستون برای بررسی امور جاری پاکستان اختصاص داده شده است. در ماه مارچ همین سال، این گروه همچنین مجله جدیدی را به‌طور خاص برای زنان راه‌اندازی کرد.

استراتژی رسانه‌ای جدید تحریک طالبان پاکستان نتیجه مستقیم تمایل این گروه برای تغییر شکل روایت خود، به دنبال یک روند ایدئولوژیک جدید است که به‌طور خاص پس از پیروزی طالبان در افغانستان شکل گرفته است. ایده این است که خود را به‌عنوان یک گروه شورشی، کاملاً بومی و مستقل به تصویر بکشد تا توجه جامعه محلی و بین‌المللی را به خود جلب کند.

برای این منظور، تحریک طالبان پاکستان پیام‌های متعددی را که به‌وضوح برای مخاطبان بین‌المللی در نظر گرفته شده است، با دقت طراحی و منتشر کرده است. اخیراً در مورد وضعیت اسفبار جامعه پشتون‌ها و بلوچ‌ها از جامعه بین‌المللی درخواست کرده است و همچنین بر نبود امکانات اولیه رفاهی که دولت پاکستان برای این مردم ارایه می‌دهد، به‌ویژه به آب، گاز و برق اشاره کرده است.

در پیام ماه جنوری این گروه به مسایل اقتصادی پاکستان مانند توافق‌نامه صندوق بین‌المللی پول اشاره شده است. علاوه بر این، تحریک طالبان پاکستان بارها هر ادعایی را که این گروه را با نهادهای جهادی جهانی مانند القاعده یا دولت اسلامی مرتبط می‌کند را رد کرده و اعلام کرده است که این گروه به تنهایی و بدون حمایت هیچ گروه یا کشور دیگری می‌جنگد. از سوی دیگر، تحریک طالبان پاکستان تلاش می‌کند خود را به‌عنوان یک گروه مشروع نشان دهد که از رفاه مردم پشتون و بلوچ حمایت می‌کند. حتا دیده می‌شود که این گروه به‌طور مداوم از طالبان افغانستان فاصله می‌گیرد تا طالبان را با توجه به تعهدات بین‌المللی و منطقه‌ای خود مبنی بر عدم میزبانی از هیچ گروه شبه‌نظامی که تهدیدی برای کشور دیگری باشد، در موقعیت دشواری قرار ندهد.

زنجیره خشونت

تهدید تروریسم مذهبی به این زودی‌ها از بین نمی‌رود. در واقع، انتظار این‌که بتوان یک درگیری دوده‌های را با گفت‌وگوهایی که هفته‌ها یا ماه‌ها طول می‌کشد برطرف کرد، تا حدودی ساده‌انگاری است.

با بازگشت طالبان افغان به افغانستان، جنبش‌های جهادی مانند تحریک طالبان پاکستان دوباره احساس انرژی و جسارت می‌کنند. گروه‌های پاکستانی، طالبان افغانستان را الگویی برای ادامه مبارزه‌شان در پاکستان می‌بینند.

دینامیک‌های داخلی پاکستان نیز برای این گروه‌ها آماده است؛ زیرا شورشی‌ها در آشفته‌گی و هرج‌ومرج رشد می‌کنند و می‌توانند از عدم اطمینان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نیرو بگیرند. پرداختن به آشفته‌گی داخلی پاکستان و پایان دادن به عدم اطمینان سیاسی و اقتصادی حاکم، گامی اساسی در جهت کاهش چالش شورشیان است. انجام این کار، یافتن نیرو برای این گروه‌ها و ساختن روایت‌های ضد دولتی را دشوار می‌کند. رویکرد تک‌بعدی، صرفاً با تکیه بر اقدامات واکنشی و در عین حال نادیده گرفتن محرک‌های سیاسی شورش، هیچ نتیجه پایداری در ۲۰ سال گذشته نداشته است و اگر این رویکرد در آینده ادامه یابد، احتمالاً با شکست‌های بیشتری مواجه خواهد شد.

نرسیدن به موقع...

ساکنان پنجشیر اضافه می کنند که به علت گسترش فقر، نبود مواد غذایی کافی و عدم تغذیه سالم، شمار زیادی از کودکان آن‌ها به بیماری سوءتغذیه دچار شده‌اند. آنان، نرسیدن به موقع کمک‌ها از سوی نهادهای امدادرسان در نقاط دوردست پنجشیر را از عوامل دیگر گسترش این بیماری می‌دانند. ارسال، یکی دیگر از باشنده‌گان پنجشیر، در صحبت با روزنامه ۸ صبح گفت: «به دلیل درگیری‌های سال گذشته بیشتر باشنده‌گان پنجشیر از کمک‌های نهادهای امدادرسان مستفید نشدند، چون طالبان اجازه نمی‌دانند که نهادها به نقاط دوردست پنجشیر کمک توزیع کنند.» او اضافه کرد: «ما مردم از گذشته‌ها تا فعلا دهقانی کم‌وونیم کله داشتیم، اما طالبان که آمدند، آن را هم از روی ما گرفتند. آزارواذیت‌شان سبب شد که محصولات زراعتی ما از بین برود و به آن رسیده‌گی کرده نتوانیم.» بربنیاد آمار نشرشده از سوی ریاست صحت عامه طالبان در پنجشیر، تنها در دو ماه گذشته ۵۱۶ کودک در این ولایت مصاب به سوءتغذیه شده‌اند. اسدالله نجات، رییس صحت عامه طالبان برای پنجشیر، به رسانه‌ها گفته است: «از این میان، ۳۶ کودک به دلیل مبتلا بودن به سوءتغذیه حاد در شفاخانه‌های ایمرجنسی و رخه این ولایت بستری‌اند و متیاقی آنان خارج از بستر در مراکز درمانی مداوا می‌شوند.» او تاکید کرده است که تیم‌های سیار صحتی آنان برای تداوی مبتلایان سوءتغذیه به بخش‌های مختلف پنجشیر اعزام شده‌اند.

در همین حال، شماری از آگاهان صحتی، بحران مواد غذایی و نبود امنیت غذایی در افغانستان را از عوامل بیشتر شدن رقم مبتلایان به این بیماری عنوان می‌کنند. محمدشفیع مشفق، یکی از داکتران پیشین شفاخانه ملکی پروان، در صحبت با روزنامه ۸ صبح گفت که با توجه به گسترش دامنه فقر در کشور، احتمال می‌رود این بیماری بیشتر از پیش افزایش پیدا کند. او تصریح کرد: «در شماری از ساحات چرخه زنده‌گی مردم متوقف است و مشکلات اقتصادی سبب شده که نتوانند غذای کافی برای خود و اعضای فامیل‌شان تامین کنند. دلیل دیگر، فرهنگ نادرست مردم است که غذای مناسب برای فرزندان‌شان تهیه نمی‌کنند.» وی از نهادهای امدادرسان به‌ویژه سازمان غذایی جهان خواست تا در این خصوص توجه کنند.

این در حالی است که در اواخر سال گذشته هجری خورشیدی، منابع محلی در پنجشیر ادعا کرده بودند که طالبان مانع کمک‌رسانی نهادهای مدد‌رسان به نقاط جنگ‌زده این ولایت می‌شوند. به گفته آنان، طالبان به بهانه دست‌رسی بسته‌گان نیروهای جبهه مقاومت ملی به کمک‌ها، فعالیت نهادهای مدد‌رسان را در نقاط دوردست این ولایت محدود و در مواردی متوقف کرده‌اند. والی طالبان به مسوولان این نهادها نیز هشدار داده بود که بدون هماهنگی با او، نباید دست به سروی و توزیع کمک‌ها بزنند. در آن زمان، منابع در نهادهای امدادرسان نیز این خبر را تایید کرده بودند.

انکار برای طالبان ثمری نخواهد داشت

طالبان در ارتباط به اختلافات داخلی‌شان نیز هیچ نمی‌گویند و نشانه‌ها و اسناد آشکار تنش‌های درون گروهی‌شان را یک‌سره انکار می‌کنند. این روش خشک و طالبانی انکار کمکی به تقویت جایگاه آن گروه در میان مردم نمی‌کند و سود تبلیغاتی نیز برای‌شان نخواهد داشت. البته در کوتاه‌مدت ممکن آنان بتوانند با پنهان‌کاری و انکار به ظاهر خود را یک‌دست و متحد نشان دهند، اما روزی آن اختلافات چنان شدت خواهد گرفت که دیگر هیچ پرده‌ای نتواند آن را بپوشاند.



اتل‌سالار هاشمی

و تجارب دست اول اختلافات، تفرقه و چنددسته‌گی طالبان را می‌بینند، با شنیدن انکار مداوم رهبران آن گروه بیش از گذشته اطمینان می‌یابند که طالبان فریب‌کار و دروغ‌گو هستند و واقعیت‌ها را با مردم شریک نمی‌سازند.

اگر در ارتباط به وضعیت سیاسی، اقتصادی، امنیتی و تعلیمی گزارشی از سوی رسانه‌ها یا نهادهای بین‌المللی دخیل در امور افغانستان نشر گردد، طالبان فوراً آن را رد می‌کنند یا با گفتن این که این‌ها مسایل داخلی افغانستان است و تصامیم طالبان با توجه به شریعت اسلام و عنعنات مردم گرفته شده، شانه از هرگونه مسوولیت خالی می‌کنند و اوضاع را طبق مراد و در حال بهبود جلوه می‌دهند. به این نمی‌اندیشند که وضعیت ناگوار اقتصادی مردم، سرکوب و حذف مخالفان، بسته بودن مکاتب دخترانه و دشمنی با تعلیم و تحصیل عصری را با انکار و توجیه نمی‌تواند پوشاند و مردم را راضی ساخت. تا چه زمان می‌تواند به دروغ و انکار توسل جویند؟

یک‌دستی کم‌سابقه جهان در تقبیح اعمال و سیاست‌های طالبان و گزارش‌هایی که در رسانه‌های منطقه و جهان از تبعیض، ستم، سرکوب و تحمیل عقب‌مانده‌گی‌ها توسط طالبان داریم نشر می‌شود، توطیه و خصومت کور علیه طالبان نیست، بلکه انعکاس واقعیت‌های آشکار و انکارناپذیر جامعه ما می‌باشد. طالبان با بیان این که جهان با گروه طالب دشمنی دارد و گزارش‌هایی که از اوضاع افغانستان نشر می‌شود تبلیغات است، ناتوانی خود در اداره کشور و مسوولیت‌پذیری را ثابت می‌سازند و در واقع، پایه‌های امارت تحمیلی را تخریب می‌کنند. طالبان با فرهنگ و روش زنده‌گی این عصر سر جنگ دارند و می‌کوشند از حرکت جامعه ما در مسیر رشد و ترقی مناسب عصر جلوگیری کنند. آنان رفتار دیگران را نیز با این روحیه خصومت تعبیر می‌کنند و به‌جای آن که دست از جنایت بردارند، سرکوب و شکنجه را متوقف سازند، از مکتب‌ستیزی و زن‌ستیزی دوری جویند، به گزارش‌هایی که در مورد رفتار ضد انسانی‌شان نشر می‌شود، چشم می‌بندند و آن‌ها را سند دشمنی جهانیان با نظام طالبانی عنوان می‌کنند. جهان امروز شبیه ذهن طالبان تاریک نیست که در آن خیال‌پروری و قصه‌گویی عین واقعیت عنوان گردد و بدیهه‌خوانی‌های تبلیغی و موعظه‌های افسانه‌ای به‌نام دین با سیاست بافته و به خورد مردم داده شود. در بیرون از دنیای طالبانی، آدم‌ها مشغول گفت‌وگو، راستی‌آزمایی، انتقاد و مستندسازی هستند. از این‌رو، گزارش‌ها نمی‌توانند مثل موعظه‌های طالبان کاملاً خیالی و افسانه باشند. حاکمیت طالبان دست‌رسی شفاف و آزادانه به اطلاعات را نیز محدود کرده است و گزارش‌ها نمی‌توانند عمق زشتی‌ها و جنایات جاری در کشور را منعکس کنند.

در دنیای جنگ و سیاست، جایی که سیاست‌مداران و گروه‌های دخیل جنگی برای مدیریت ذهنیت عامه و جلوگیری از کاهش نفوذ خود بر اذهان مردم خواسته یا ناخواسته مجبور می‌شوند رفتار و مواضع خود را توضیح دهند و به اتهامات پاسخ بگویند، انکار تاکتیک آشناست. گاهی مسوول اداره یا سیاست‌مداری وقوع یا عدم وقوع اتفاقی را انکار می‌کند یا بخشی از آن را تایید و بخشی را رد می‌کند. ممکن این کار را به سود منافع گروهی یا عمومی باند و بخواهد از عواقب ناگوار تایید و واکنش‌های غیرقابل کنترل جلوگیری کند تا در فرصت دیگری که فضا کمتر تنش‌آلود است، اصل قضیه را توضیح دهد و از جزئیات نادرستی که در آن مورد به اطلاع مردم رسیده است، پرده بردارد. اما طالبان این‌طور نیستند و هیچ قاعده‌ای را در اطلاع‌رسانی به رسمیت نمی‌شناسند، بلکه هرچه را خودشان دوست داشته باشند درست یا نادرست تایید و هرچه را به زبان گروه خود یافتند، رد می‌کنند حتی اگر اسناد و شواهد بسیاری پیش چشم خودشان و نزد مردم موجود باشد.

به‌طور مثال، عبدالغنی برادر، معاون اقتصادی ریاست‌الوزرای طالبان، سال‌ها قبل در شهر کراچی از سوی استخبارات پاکستان دستگیر شده بود. در آن زمان طالبان هیچ توضیحی در مورد آن اتفاق ندادند و دستگیری او را انکار کردند. این انکار تا زمانی ادامه یافت که پاکستانی‌ها با پادرمیانی زلمی خلیل‌زاد او را از توقیف رها کردند و از آن جا به قطر اعزام شد. چندی قبل در مصاحبه‌ای از ملا محمد یعقوب، سرپرست وزارت دفاع طالبان، در ارتباط به حمایت پاکستان از گروه طالبان، پناه‌گاه‌ها، خانه‌ها و جایگاه‌های طالبان در آن کشور پرسیده شد. او به‌جای آن که توضیح دهد که بلی طالبان در جریان جنگ به پشت جبهه نیاز داشتند، یک‌باره و بدون هیچ‌گونه تبصره‌ای آن واقعیت‌ها را انکار کرد و آن‌ها را تبلیغات «دشمن» خواند. در حالی که هیچ کسی به سال‌ها اقامت رهبران طالبان در پاکستان و وجود پناه‌گاه‌های آن گروه شک ندارد.

طالبان در ارتباط به اختلافات داخلی‌شان نیز هیچ سخن نمی‌گویند و نشانه‌ها و اسناد آشکار تنش‌های درون گروهی‌شان را یک‌سره انکار می‌کنند. این روش خشک و طالبانی انکار کمکی به تقویت جایگاه آن گروه در میان مردم نمی‌کند و سود تبلیغاتی نیز برای‌شان نخواهد داشت. البته در کوتاه‌مدت ممکن آنان بتوانند با پنهان‌کاری و انکار به ظاهر خود را یک‌دست و متحد نشان دهند، اما روزی آن اختلافات چنان شدت خواهد گرفت که دیگر هیچ پرده‌ای نتواند آن را بپوشاند. در عین حال، مردمی که در زنده‌گی روزمره و تماس‌ها

با این‌حال، چکیده‌هایی از رخدادها و اتفاقات جاری در افغانستان را می‌توان در آن‌ها دید. نگرانی مردم عمیق‌تر از آن است که در گزارش‌ها انعکاس می‌یابد. طالبان اگر آن‌طوری که حامیان و مبلغان داخلی و خارجی‌شان می‌گفتند، تغییر کرده بودند و به حداقل‌های حکومت‌داری تعهد می‌داشتند و اهمیت احترام به حقوق مردم را می‌دانستند، به احتمال زیاد به اعتراضات مردم و گزارش‌های بین‌المللی توجه می‌کردند و می‌دانستند که نارضایتی وسیع مردم صرفاً بیچاره‌گی نیست بلکه نشانه‌های هشداردهنده فاصله و نفرت مردم از اداره طالب است و گزارش‌های خارجی نیز نه تنها خصومت با طالب نیستند بلکه نوعی همکاری با این گروه برای درک وضعیت و تقویت پایه‌های اداره‌اش می‌باشد. سازمان ملل و تعدادی از کشورهای دخیل در امور افغانستان در دو سال گذشته بسیار کوشیدند تا دست طالبان را گرفته و به جایگاه حکومت رسمی برسانند.

وضعیت ناگوار کنونی اگر همین‌گونه ادامه یابد، خشم و نارضایتی جامعه در جایی منفجر خواهد شد، چه گزارش‌های خارجی از این وضعیت نشر بشوند یا نشوند. این وضعیت دوام نخواهد کرد. معمولاً در شرایط سختی از این دست، تغییر از جایی و در موقعی شروع می‌شود که حاکمان مستبد هیچ انتظاری ندارند. وقتی موج برگردد و خشم و نارضایتی مردم به مرحله تحول برسد، اداره طالب چون بت کاغذی بر موج متلاطم اعتراضات مردمی ناتوان خواهد بود و فرو خواهد پاشید.

طالبان دین و سیاست را ابزار ساخته‌اند و طبق امیال بدوی خود آن‌ها را تعبیر و استفاده می‌کنند. وضعیت جاری به خیر ملت نیست و طالبان نیز از دوام این وضعیت سود نخواهند برد. با انکار و چشم‌پوشی نمی‌توان واقعیت را تغییر داد.

طالبان در میدان وردک دو مرد و یک زن را در محضر عام شلاق زدند

۸ صبح، میدان وردک: دادگاه عالی طالبان اعلام کرده است که سه تن به‌شمول دو مرد و یک زن را به جرم فرار از منزل در میدان وردک، شلاق زده‌اند.

حکم مجازات این افراد روز پنج‌شنبه، ۱۵ سرطان، در استدیوم ورزشی غازی امان‌الله خان اجرا شده است.

هنگام اجرای این حکم شماری از مقام‌های طالبان و باشنده‌گان محل حضور داشته‌اند. براساس اطلاعات منابع، طالبان هرکدام از این افراد را ۳۹ شلاق زده‌اند.

با وجود محکومیت‌های ملی و بین‌المللی، طالبان همچنان به اجرای حکم شلاق و «قصاص» در افغانستان ادامه داده‌اند.

در آغاز ماه سرطان نیز این گروه یک مرد را در پکتیکا به جرم داشتن رابطه خارج از ازدواج در حضور مردم شلاق زدند.

بربنیاد گزارش‌ها، باران‌های شدید در سراسر مناطق شمالی هند که منجر به لغزش زمین و جاری شدن سیلاب در اکثر ساحات شده، تا کنون جان دست کم ۲۲ تن را گرفته است. رسانه‌های بین‌المللی روز دوشنبه، ۱۰ جولای، گزارش داده‌اند که این افراد در ایالت‌های هیمالچال پردیش، اترکند، اترپردیش، جامو و کشمیر و پنجاب جان‌های خود را از دست داده‌اند. طبق گزارش‌ها، باران‌های بی‌پیم شدیدی باعث بسته شدن جاده‌های شهر دهلی نو، پایتخت هند نیز شده است. در همین حال، مقام‌ها در ایالت‌های هیمالچال پردیش و اترکند به مردم دستور داده‌اند که تا زمانی که ضرورت نباشد، از خانه‌هایشان بیرون نشوند. این در حالی است که اداره هواشناسی هند گفته که باران‌های موسمی در دهلی، پنجاب و هیمالچال پردیش امسال در مقایسه با سال‌های دیگر به ترتیب ۱۱۲، ۱۰۰ و ۷۹ درصد افزایش یافته است.

امریکا: از فروش جنگنده‌های اف-۱۶ به ترکیه حمایت می‌کنیم



سخنگوی وزارت خارجه آمریکا همچنان در پاسخ به سوالی درباره موضع این کشور از روند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا نیز گفت: «از این موضوع حمایت می‌کنیم، اما آن موضوعی میان اتحادیه اروپا و ترکیه است.» سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید نیز در بیانیه‌ای کتبی که در اختیار خبرگزاری آناتولی قرار داد بر حمایت ایالات متحده از عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا تاکید کرده است.

گفتنی است که چندی پیش، گروهی از سناتورهای امریکایی در نامه‌ای به رییس جمهوری این کشور تاکید کردند که تنها در صورتی با فروش جنگنده‌های اف ۱۶ به ترکیه موافقت خواهند کرد که انقره عضویت سوئد در ناتو را تایید کند.

همچنان ترکیه چندین ماه بود که با پیوستن سوئد به ناتو مخالفت می‌کرد و شروطی چون اخراج گروه‌های کرد و اعضای حزب کارگران کردستان از این کشور را مطرح کرده بود.

با این حال، نینس استولتنبرگ، دبیرکل ناتو روز دوشنبه، ۱۰ جولای، در یک نشست خبری اعلام کرده که اردوغان، با ارایه درخواست عضویت سوئد در ناتو به پارلمان ترکیه موافقت کرده است.

باید این موضوع با عضویت سوئد در ناتو مرتبط شود. «میلر با بیان این که سوئد برای رفع نگرانی‌های ترکیه «قانون اساسی خود را اصلاح و در خصوص بازداشت افرادی که از سوی انقره «تروریست» خوانده شده‌اند، افزود: «معتقدیم این موارد برای کاهش نگرانی‌های ترکیه کافی باشد.» وی با اشاره به این که زمان عضویت سوئد در ناتو فرا رسیده است، گفت: «با این حال، نمی‌خواهم حدس قطعی بزنم، جز این که معتقدیم این اتفاق باید در آینده نزدیک رخ دهد.»

متیو میلر، سخنگوی وزارت امور خارجه ایالات متحده اعلام کرد که واشنگتن مدتی است، به صورت علنی از فروش جنگنده‌های اف-۱۶ به ترکیه حمایت می‌کند. بربنیاد گزارش آناتولی ترکیه، میلر این اظهارات را روز دوشنبه، ۱۰ جولای، در یک نشست خبری مطرح کرده است.

او با اشاره به این که عضویت سوئد در ناتو و فروش اف-۱۶ دو موضوع مجزا هستند، گفت: «حمایت ما از فروش این جنگنده‌ها به ترکیه را در جلسات خصوصی نیز بیان می‌کنیم. البته گروهی از اعضای کنگره معتقدند که

رییس جمهور ترکیه با پیوستن سوئد به ناتو موافقت کرد



رجب طیب اردوغان، رییس جمهور ترکیه، پس از یک سال ممانعت از پذیرفته شدن درخواست سوئد برای پیوستن به ناتو، موافقت خود با این موضوع را اعلام کرده است.

بربنیاد گزارش رویترز، نینس استولتنبرگ، دبیرکل ناتو روز دوشنبه، ۱۰ جولای، در یک نشست خبری اعلام کرده که اردوغان، با ارایه درخواست عضویت سوئد در ناتو به پارلمان ترکیه موافقت کرده است.

او تصریح کرد: «خوشحالم که اعلام کنم، رییس جمهور اردوغان موافقت کرده است که درخواست عضویت سوئد را در اسرع وقت به پارلمان ارسال کند و از نزدیک برای اطمینان از تصویب آن همکاری کند.»

دبیرکل ناتو این روز را تاریخی عنوان کرده است. پیش از این، رجب طیب اردوغان، رییس جمهوری ترکیه گفته بود، در صورتی که اتحادیه اروپا با پیوستن کشورش در این اتحادیه موافقت کند، ترکیه نیز از عضویت سوئد در ناتو حمایت خواهد کرد.

انقره که از سال گذشته مانعی بر سر عضویت سوئد در ناتو بود، از این کشور خواسته تا سختگیری‌های قانونی بیشتری درباره «شبه‌نظامیان» کرد در سوئد اعمال کند.

جو بایدن، رییس جمهوری آمریکا هم دیروز با آقای اردوغان تلفنی صحبت و بر حمایتش از عضویت سوئد در ناتو تاکید کرد.

نتایج انتخابات ریاست جمهوری اوزبیکستان؛ میرضیایف تا سال ۲۰۳۰ در قدرت باقی ماند

ستاد مرکزی انتخابات اوزبیکستان اعلام کرد که شوکت میرضیایف با به‌دست آوردن ۸۷٫۰۵ درصد آرا، پیروز انتخابات ریاست جمهوری این کشور شده است.

زین‌الدین نظام‌خواجیهف، رییس این ستاد، روز دوشنبه، ۱۰ جولای، گفت که میرضیایف، برای هفت سال دیگر اوزبیکستان را رهبری خواهد کرد.

به گفته وی، در این انتخابات عبدالشکور حمزه‌یف، راباخان محموداوا و الغبیک عنایت‌اف رقیبان ضیایف هر کدام به‌ترتیب ۳٫۷۴، ۴٫۴۳ و ۴٫۲ درصد آرا را به دست آوردند.

براساس گزارش‌ها، در این انتخابات حدود ۸۰ درصد واجدین شرایط رای‌دهی اشتراک کردند. انتخابات ریاست جمهوری این کشور بامداد روز گذشته آغاز و تا ساعت ۸:۰۰ شب ادامه داشت که در آن ۷۹٫۸۸ درصد از جمعیت اوزبیکستان که ۱۵ میلیون و ۶۵۱ هزار و ۴۰۵ نفر می‌شود، مردم شرکت کردند.

ناظران بین‌المللی گفتند که این انتخابات آزاد نبوده و مخالفان نظام حاکم بهره‌بری شوکت میرضیایف، اجازه حضور در آن را پیدا نکرده‌اند.

بایدن با سوناک و چارلز سوم دیدار کرد

رییس جمهور آمریکا اضافه کرده است: «ما چیزهای زیادی برای صحبت کردن داریم.»

در همین حال، پس از حدود ۴۰ دقیقه گفت‌وگو، بایدن با هوابمایی خود مقر نخست‌وزیری بریتانیا را به مقصد قلعه ویندزور ترک کرده و در آن‌جا از سوی چارلز سوم استقبال شد.

گفتنی است که دیدار بایدن با سوناک پنجمین دیدار آن‌ها در چند ماه گذشته است که کمتر از یک ساعت طول کشید و تمرکز آن بر اوکراین بود.

قرار است جو بایدن در ادامه سفرش به اروپا پس از این به لیتوانیا و فنلاند سفر کند.



جو بایدن، رییس جمهور ایالات متحده آمریکا پس از ورودش به بریتانیا با ریشی سوناک، نخست‌وزیر و چارلز سوم، پادشاه آن کشور دیدارهای انجام داده است.

رسانه‌های بین‌المللی روز دوشنبه، ۱۰ جولای، گزارش داده‌اند که بایدن در دیدار با سوناک که در ساختمان شماره ۱۰ داونینگ استریت برگزار شد، در مورد بحران اوکراین و مخالفت بریتانیا با تصمیم تامین بمب‌های خوشه‌ای برای اوکراین و عضویت این کشور در ناتو گفت‌وگو کرده است.

سوناک گفته است: «این یک مساله بزرگ است که ما پس از یک سری دیدارها در سال جاری به گفت‌وگوهای خود ادامه می‌دهیم.»

وی خاطرنشان کرد که دو طرف در مورد چگونگی تقویت همکاری‌های امنیتی و اقتصادی مشترک به نفع شهروندان‌شان بحث خواهند کرد.

سوناک افزوده است: «ما به‌عنوان دو متحد قوی در ناتو هستیم و می‌دانم که می‌خواهیم تمام توان خود را برای تقویت امنیت یورو آتلانتیک به کار بگیریم.»

از جانبی، آقای بایدن نیز در سخنانش گفته که روابط میان دو کشور بسیار قوی است.

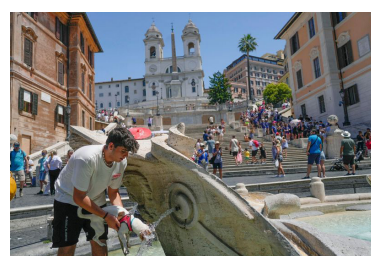
استرالیا بزرگترین قرارداد صادرات دفاعی اش با آلمان را امضا می‌کند

مقام‌های استرالیایی گفتند که قرار است این کشور تحویل بیش از ۱۰۰ ناو مسلح نوع «بوکسر» به ارتش آلمان را آغاز کند.

رویترز به نقل از آنتونی آلبانیز، نخست‌وزیر استرالیا، روز دوشنبه، ۱۰ جولای، گزارش داده که این کشور با امضای یک توافقنامه بزرگ صادرات محصولات دفاعی با آلمان به تحویل بیش از ۱۰۰ ناو مسلح بوکسر به این کشور تعهد سپرده است.

برپایه اطلاعات، با امضای این قرارداد، یک هزار شغل جدید ایجاد خواهد شد و ۶۶۶ میلیون دلار نیز به

بیش از ۶۰ هزار تن در پی گرمای شدید در سال ۲۰۲۲ در اروپا جان باختند



یافته‌های دو موسسه فرانسوی و اسپانیایی نشان می‌دهد که بیش از ۶۰ هزار تن در تابستان سال گذشته میلادی، در پی گرمای شدید جان‌باخته‌اند.

نشریه نیچر مدیسن، روز دوشنبه، ۱۰ جولای، در گزارشی با اشاره به این موضوع خواستار تلاش مضاعف برای مقابله با امواج گرمای پیش‌رو شده است.

برآوردهای انجام شده توسط دانشمندان موسسه فرانسوی تحقیقات سلامت و موسسه سلامت جهانی بارسلون نشان می‌دهد که بدون واکنش موثر این قاره تا سال ۲۰۳۰ با بیش از ۶۸ هزار مرگ ناشی از گرما در تابستان و بیش از ۹۴ هزار مرگ تا سال ۲۰۴۰ مواجه خواهد شد.

بیشترین میزان مرگ‌ومیر ناشی از گرمای شدید در ایتالیا، یونان، اسپانیا و پرتغال بوده است.

این درحالی است که سازمان هواشناسی جهانی درباره شکسته شدن رکورد متوسط گرما در کره زمین اظهار نگرانی کرد.

آخرین یافته‌های این نهاد وابسته به سازمان ملل نشان می‌دهد ماه گذشته میلادی، گرم‌ترین ماه تاریخ بود و متوسط دمای دنیا در ارتفاع دومتری سطح کره زمین به ۸۸/۱۶ درجه سانتی‌گراد رسید که بی‌سابقه است. این گرما در ماه جاری نیز ادامه یافت است.

افزون براین، گرم‌ترین دمای آب در اقیانوس اطلس شمالی ثبت شده و میزان یخ‌های قطبی در اقیانوس منجمد جنوبی به کم‌ترین حد خود رسیده است.